

Position of "Sustainable Development" in International Law with emphasis on States Practice

(Type of Paper: Research Article)

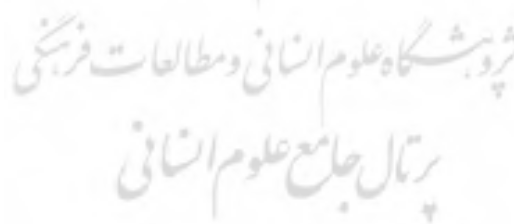
Mohammadreza Jahanipour^{1*}, Ahmad Reza Tohidi²

Abstract

Sustainable development has become a widespread discourse at the international level, and with the adoption of the Sustainable Development Goals at the UN Summit in 2015, it has become a comprehensive program at the State level in different dimensions. The operation of the world's States dealing with this issue has been an interesting development in recent decades. Sustainable development in international politics and law has gained some importance, although questions and ambiguities remain. The purpose of this article is to present current position of sustainable development in international law concerning the function of States. In this paper, we try to demonstrate through the descriptive, analytical approach that sustainable development today has gone beyond the mere concept and entered into some aspects of soft international law and in some cases even difficult law.

Keywords

New Delhi Declaration, International Law of Sustainable Development, States Practice, Concept of Sustainable Development.



1. Ph.D. Student in International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author). Email: jahanipur@gmail.com
 2. Assistant Prof., Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. Email: legalofice@gmail.com
- Received: January 5, 2019 - Accepted: October 2, 2019



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جایگاه «توسعه پایدار» در حقوق بین الملل با تأکید بر رویه دولت‌ها

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

محمد رضا جهانی پور^{۱*}، احمد رضا توحیدی^۲

چکیده

«توسعه پایدار» در عرصه بین المللی به گفتمانی رایج بدل شده و با تصویب اهداف توسعه پایدار در اجلاس سران ملل متحد در سال ۲۰۱۵ به برنامه‌ای فراگیر و مورد اهتمام دولت‌ها در ابعاد گوناگون تبدیل شده است. عملکرد دولت‌های جهان در مواجهه با این موضوع در دهه‌های اخیر سیر جالبی داشته است. توسعه پایدار در سیاست و حقوق بین الملل جایگاه مشخصی یافته است، هرچند هنوز پرسش‌ها و ابهاماتی نیز وجود دارد. هدف این مقاله تحلیل این موضوع از منظر حقوق بین الملل و تبیین جایگاه فعلی توسعه پایدار در حقوق بین الملل با توجه به عملکرد دولت‌هاست. در این مقاله سعی داریم با روش تحلیلی-توصیفی این فرضیه را اثبات کنیم که توسعه پایدار امروز از حد یک مفهوم صرف عبور کرده و در جنبه‌هایی به حوزه حقوق نرم بین الملل و حتی در بعضی موارد به حقوق سخت وارد شده است.

کلیدواژگان

اعلامیه دهلی نو، حقوق توسعه پایدار، رویه دولت‌ها، مفهوم توسعه پایدار.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول). Email: jahanipur@gmail.com

۲. استادیار، گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. Email: legaloffice@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۱

مقدمه

مفهوم توسعه پایدار در دهه‌های اخیر مورد اقبال و پذیرش گسترده جامعه بین‌المللی قرار گرفته اما در مورد تعریف و وضعیت حقوقی آن بحث‌های زیادی وجود دارد. اساساً ممکن است این سؤال مطرح شود که موضوعاتی مانند فقر، گرسنگی، مرگ‌ومیر کودکان زیر ۵ سال، جنگل‌زدایی، تغییر اقلیم، کاهش تنوع زیستی و... چه ربطی به حقوق بین‌الملل دارد؟ و حقوق بین‌الملل چه ظرفیتی برای طرح و پیگیری این مسائل غم‌انگیز دارد؟ برای ورود به بحث باید به این نکته توجه کرد که حقوق بین‌الملل نه در خلأ، بلکه در واقعیات حاکم بر زندگی روزانه بشر عمل می‌کند و توسعه می‌یابد. حقوق بین‌الملل به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها، چارچوبی است برای تنظیم رفتار دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های فراملی و در موارد خاصی شهروندان. علاوه بر صلح، امنیت، حقوق بشر و بشردوستانه، پایداری هم به‌عنوان یکی از ارزش‌های بنیادین جامعه بین‌المللی در حقوق بین‌الملل معاصر ظهور و بروز یافته است. اولین بار اصطلاح توسعه پایدار در یکی از تصمیمات شورای حکام برنامه محیط زیست ملل متحد (UNEP) در سال ۱۹۷۵ به کار برده شد (Schrijver, 2008: 46). کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست که کمیسیون برونتلند نیز نامیده می‌شود، در سال ۱۹۸۷ با انتشار گزارشی با عنوان «آینده مشترک ما»، جایگاه بلندی به مفهوم توسعه پایدار داد. مفهوم توسعه پایدار در مدت نسبتاً کوتاهی در حوزه حقوق بین‌الملل وارد شد و جایگاه خود را تثبیت کرد. در کنفرانس ۱۹۹۲ ریو، ۱۷۶ کشور از طریق نمایندگان خود توافق کردند که توسعه پایدار هدف ضروری جامعه جهانی است. پس از آن، توسعه پایدار به‌عنوان یک هدف در معاهدات متعدد بین‌المللی و همچنین برخی قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل و اسناد حقوقی دیگر سازمان‌های بین‌المللی گنجانده شد و مفهوم توسعه پایدار و اصول آن در آرای دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی به کار رفت.

از سوی دیگر حقوق بین‌الملل محیط زیست در دهه‌های اخیر به سرعت رشد کرده و حتی دچار تورم اسناد شده است. همچنین اصول حقوقی و تصمیمات قضایی در خصوص محیط زیست در سطوح ملی و بین‌المللی رشد فزاینده‌ای داشته‌اند. درحالی‌که حفظ محیط زیست، توسعه اقتصادی و رعایت حقوق بشر هر کدام به گفتمان رایج جوامع بشری تبدیل شده‌اند، ضرورت وجود رویکردی جامع که بتواند بین آنها اتصال ایجاد کند، کاملاً حس می‌شود. به همین دلیل اصل آخر اعلامیه ریو خواستار توسعه بیشتر حقوق بین‌الملل در حوزه توسعه پایدار شده است. دستور کار ۲۱ هم که برنامه‌ای بین‌المللی برای اقدام در قرن ۲۱ بیست و یکم است و در کنفرانس ریو ۱۹۹۲ به تصویب رسید، از جمله خواهان دستیابی به حالت متوازن و جامع حقوقی بین‌المللی در حوزه توسعه پایدار و توجه خاص به تعادل ظریف بین مسائل

زیست‌محیطی و توسعه شد. با این وصف امروز دولت‌ها در عمل با چالش پیچیده‌ای در یافتن تعادل مطلوب میان اولویت‌های پیشرفت اقتصادی، ملاحظات زیست‌محیطی و توسعه اجتماعی روبه‌رو هستند، هرچند بسیاری از آنها اولویت‌های توسعه‌ای را بر ملاحظات زیست‌محیطی ترجیح می‌دهند (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۱: ۶۷).

در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی به این پرسش پاسخ داده می‌شود که مفهوم توسعه پایدار پس از ورود به عرصه حقوق بین‌الملل چه سیر تحولی را طی کرده است؟ به این منظور ابتدا روند شکل‌گیری این مفهوم و سپس وضعیت آن در حقوق بین‌الملل بررسی می‌شود. گردآوری داده‌ها بر مبنای روش کتابخانه‌ای است. در این تحقیق علاوه بر ارائه تصویری از وضعیت توسعه پایدار در حقوق و روابط بین‌الملل به تشریح و تبیین دلایل ایجاد این وضعیت و ابعاد آن می‌پردازیم. جست‌وجو در متون و اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه‌ها و توافقات بین‌المللی و آرای دیوان بین‌المللی دادگستری مدنظر قرار گرفته است. این پژوهش در پی اثبات این فرضیه است که توسعه پایدار ابتدا به حوزه حقوق نرم بین‌الملل و امروزه در بعضی موارد حتی به حقوق سخت وارد شده است. حقوق نرم شامل مجموعه اسنادی است که دولت‌ها ملزم به تبعیت از آنها نیستند، اما حقوق سخت دربرگیرنده قواعد و اسنادی است که ویژگی الزام‌آور دارند و دولت‌ها به متابعت از آنها متعهدند.

طرح موضوع و تثبیت آن

مفهوم «توسعه پایدار»^۱ در نزد بسیاری از مردم و اهل علم، با گزارش ۱۹۸۷ برون‌تلند^۲ گره خورده است، اما واقعیت این است که بسترهای لازم برای پیدایش چنین مفهومی از مدت‌ها پیش به تدریج فراهم شده بود. مالتوس و ریکاردو دو اقتصاددان قرن هجدهمی درباره ضرورت پیوند بین توسعه و محیط زیست و محدودیت‌های زیست‌محیطی در توسعه اقتصادی بحث کرده بودند (Pearce & Turner, 1990: 6-7). در میانه قرن بیستم سازمان ملل شروع به حمایت جدی از بحث توسعه پایدار کرد. از جمله در سال ۱۹۶۲ مجمع عمومی ملل متحد قطعنامه‌ای را گذراند که در آن از حکومت‌ها خواسته شد اقدامات حمایتی از منابع طبیعی را در مراحل اولیه فرایند توسعه اقتصادی بگنجانند.^۳

سال ۱۹۷۲، ملل متحد میزبان کنفرانس محیط زیست انسانی^۴ در شهر استکهلم با حضور ۱۱۳ دولت بود. مهم‌ترین خروجی این کنفرانس، اعلامیه محیط زیست انسانی یا همان اعلامیه استکهلم

1. Sustainable Development

2. Brundtland Report

3. [http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/RES/1831\(XVII\)](http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/RES/1831(XVII))

4. The United Nations Conference on the Human Environment

بود.^۱ این اعلامیه از کامل‌ترین و اساسی‌ترین اسناد مربوط به حقوق بین‌الملل محیط زیست است و سازمان‌های منطقه‌ای اغلب فعالیت خود را با اقتباس از اصول این اعلامیه شروع کرده‌اند (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۹۷: ۲۶)، به گونه‌ای که می‌توان جایگاه آن را در حوزه توسعه به جایگاه اعلامیه جهانی حقوق بشر در حوزه حقوق بنیادین انسان تشبیه کرد (افتخار جهرمی، ۱۳۸۸: ۱۰).^۲

در سال ۱۹۸۲ مجمع عمومی ملل متحد منشور جهانی طبیعت را تصویب کرد^۳ که بر حفاظت و مدیریت بهتر منابع طبیعی زنده متمرکز است و هرچند الزام حقوقی ندارد، اما نگرش‌ها و اصول کلی مندرج در اعلامیه استکهلم را تقویت و پشتیبانی می‌کند. این اولین سند مهم در دهه هشتاد است که در آن واژه توسعه پایدار به کار برده شده است (Cordonier, Segger, Khalfan, 2004: 17).

در سال ۱۹۸۳ مجمع عمومی ملل متحد بر اساس قطعنامه 38/161، کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست (WCED) را تأسیس کرد^۴ که مأموریت آن پیشنهاد راهبردهایی برای رسیدن به توسعه پایدار در سال ۲۰۰۰ و پس از آن (Schrijver, 2008: 47) و ریاست آن با گرو هارلم برونتلند^۵ نخست‌وزیر سابق نروژ بود که به همین دلیل گاهی کمیسیون برونتلند نیز نامیده می‌شود. کنفرانس ریو ۱۹۹۲ معروف به اجلاس زمین به دو دستاورد مهم منجر شد؛ یکی اعلامیه ریو (Rio Declaration)^۶ و دیگری دستور کار ۲۱ (Agenda 21)^۷. اعلامیه ریو مشتمل بر ۲۷ اصل است. در این اصول، بر حق توسعه و حق بر محیط زیست تأکید و تصریح شده است که برای رسیدن به توسعه پایدار باید حمایت محیط زیست بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند توسعه را تشکیل دهد. اجلاس ۲۰۰۲ ژوهانسبورگ هم به تصویب دو سند مهم منجر شد: یکی اعلامیه ژوهانسبورگ درباره توسعه پایدار^۸ و دیگری برنامه اجرایی ژوهانسبورگ^۹ بود.^۱ در آخرین تحول، سران دولت‌ها در اجلاس تاریخی مجمع عمومی ملل

۱. متن کامل اعلامیه در آدرس <http://www.un-documents.net/unchedec.htm> قابل مشاهده است.

۲. در اصل ۲۱ آن که از همه معروف‌تر است، دولت‌ها را برخوردار از حقوق حاکمه برای بهره‌برداری از منابع طبیعی به موجب سیاست‌های زیست‌محیطی‌شان بر طبق منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل و نیز دارای مسئولیت برای تضمین عدم تخریب محیط زیست دولت‌های دیگر یا مناطق خارج از محدوده صلاحیت ملی بر اثر فعالیت‌های تحت کنترل یا صلاحیتشان دانست.

3. World Charter for Nature, 28 October 1982, available at <http://www.un.org/documents/ga/res/37/a37r007.htm>

4. <http://www.un.org/documents/ga/res/38/a38r161.htm>

5. Gro Harlem Brundtland

6. <http://www.un.org/documents/ga/conf151/aconf15126-1annex1.htm>

۷. متن دستور کار ۲۱ از آدرس <https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/Agenda21.pdf> قابل دریافت است

8. Johannesburg Declaration on sustainable development, at <http://www.un-documents.net/jburgdec.htm>

9. Plan of Implementation of the World Summit on Sustainable Development, at www.un-documents.net/jburgpln.htm

متحد در سپتامبر ۲۰۱۵، دستور کار ۲۰۳۰ توسعه پایدار^۲ را که شامل مجموعه‌ای از ۱۷ هدف توسعه پایدار^۳ بود، به تصویب رساندند که از اول ژانویه ۲۰۱۶ لازم‌الاجرا شد. در این دستور کار سران دولت‌ها اعلام داشتند: «ما از طرف مردمی که به آنان خدمت می‌کنیم، یک تصمیم تاریخی برای مجموعه‌ای از اهداف نهایی و مقاصد عملی جامع، مردم‌محور، جهانشمول، تحول‌آفرین و دارای آثار گسترده اتخاذ کرده‌ایم. ما خودمان را متعهد می‌دانیم برای اجرای کامل این دستور کار تا سال ۲۰۳۰ به‌طور خستگی‌ناپذیر کار کنیم» (The 2030 Agenda for Sustainable Development: para.2).

در نگاه کلی می‌توان گفت طی ۵ دهه گذشته اقدامات سیاست‌گذاری گسترده‌ای در مورد توسعه پایدار صورت گرفته است که تقریباً همه کشورهای جهان در آن مشارکت داشته‌اند؛ به‌خصوص اقدامات شایسته‌ای توسط دولت‌ها از دهه ۱۹۹۰ میلادی به‌منظور تحقق توسعه پایدار صورت گرفته است (رضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۳۹).

وجوه مفهوم توسعه پایدار

به‌نظر می‌رسد بهترین تعریف برای توسعه پایدار همان تعریف گزارش برونتلند است که می‌گوید: «توسعه‌ای که نیازهای نسل کنونی را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده به تأمین نیازهای خود، برآورده می‌کند» (World Commission on Environment and Development, 1987: 43).

در این تعریف دو عنصر برجسته وجود دارد، یکی جهت‌دهی به فرایند توسعه: توسعه پایدار باید در راستای تأمین نیازهای اساسی انسان باشد؛ مانند رفاه معقول و غذای مناسب و به‌عبارت دیگر، پایان دادن به فقر و گرسنگی. توسعه‌ای که به گسترش فقر بینجامد، پایدار و مانا نیست. عنصر دیگر تعیین حد و حدود توسعه است؛ توسعه نمی‌تواند نیازهای نسل‌های آینده را نادیده بگیرد. عنصر زمان در ذات مفهوم توسعه پایدار نهفته است؛ نیازها و منافع نسل‌های آتی از نظر محیط زیست سالم، اقلیم، منابع طبیعی و تنوع زیستی باید در فرایند توسعه لحاظ شود (Schrijver, 2008: 213). بنای مفهوم توسعه پایدار بر ارائه راه‌حل‌های منسجم و مبتنی بر همکاری دولت‌ها برای برخی از مهم‌ترین چالش‌های عصر ما استوار است. البته این چالش‌ها در حال تکامل و تحول تدریجی‌اند. برای مثال در دهه هشتاد موضوع امنیت غذایی، جمعیت و انرژی اولویت داشت، درحالی‌که اکنون

۱. این برنامه، چارچوبی بود برای اقدام جامع بین‌المللی و موضوعاتی مانند فقرزدایی، مصرف و تولید، منابع طبیعی پایه، سلامتی، دولت‌های جزیره‌ای کوچک در حال توسعه و آفریقا را در برمی‌گرفت (Armstrong et al., 2009: 358).

2. Transforming our world: The 2030 Agenda for Sustainable Development, at www.un.org/ga/search/A/res/70/1

3. Sustainable Development Goals

تغییرات اقلیم^۱ اهمیت خاصی یافته است، تا آنجا که در سال ۲۰۱۵ حدود ۲۰۰ کشور در پاریس برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و محدود کردن افزایش گرمای زمین به ۲ درجه نسبت به زمان پیش از عصر صنعتی توافق کردند (Paris Agreement, 2015: Art.2).

جنبه حقوق بشری نیز به مفهوم توسعه پایدار جلوه خاصی داده است. ضرورت رعایت حقوق بشر به خصوص حق مشارکت در تصمیم‌سازی و حقوق اجتماعی-اقتصادی مانند حق بر غذا، حق بر بهداشت و سلامتی، حق بر آموزش، حق بر مسکن و در یک کلام حق بر توسعه، بخشی لاینفک از فرایند توسعه پایدار است.

ورود توسعه پایدار به حقوق بین‌الملل

هرچند گزارش برون‌تلد، ساختاری سیاسی و اجتماعی برای مفهوم توسعه پایدار ترسیم می‌کرد، اما به تدریج این مفهوم در حقوق و به‌ویژه حقوق بین‌الملل جایگاه خاصی یافت. در طول سال‌های بعد از گزارش برون‌تلد نیاز به دخالت حقوق بین‌الملل در عرصه توسعه پایدار و یا به عبارت دیگر ورود توسعه پایدار به حقوق بین‌الملل در موارد متعددی مورد تأیید و تأکید قرار گرفت. برای مثال اعلامیه ریو ۱۹۹۲ در اصل ۲۷ تأکید کرد: دولت‌ها و مردم باید با حسن نیت و روحیه مشارکت... در گسترش بیشتر حقوق بین‌الملل در حوزه توسعه پایدار همکاری بیشتری به عمل آورند (Rio Declaration, 1992: princ.27). در دستور کار ۲۱، دولت‌ها از جمله خواستار «توسعه بیشتر حقوق بین‌الملل در زمینه توسعه پایدار با عنایت به تعادل ظریف بین علائق زیست‌محیطی و توسعه‌ای» شده و بر «نیاز به شفاف‌سازی و تقویت رابطه بین اسناد یا توافقات بین‌المللی موجود در زمینه محیط زیست و اسناد یا توافقات اقتصادی و اجتماعی مرتبط با در نظر گرفتن نیازهای خاص کشورهای در حال توسعه» تأکید کردند (Agenda 21, 1992: para 39.1 (a), (b)).

اعلامیه ژوهانسبورگ درباره توسعه پایدار بر این اولویت‌ها تأکید داشت و در آن دولت‌ها یک مسئولیت جمعی برای پیشرفت و تقویت ارکان به‌هم‌وابسته و متقابلاً تقویت‌کننده توسعه پایدار یعنی توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حمایت محیط زیست در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی را به عهده گرفتند (Johannesburg Declaration on Sustainable Development, 2002: para.5). دولت‌ها همچنین بر تعهد خود به اصول و اهداف منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل و همچنین تقویت چندجانبه‌گرایی تأکید کردند (Johannesburg Declaration on Sustainable Development, 2002: para.32).

بعد از اجلاس جهانی توسعه پایدار (۲۰۰۲) نیاز به هماهنگی و یکپارچه‌سازی نظام‌های

1. Climate Change

حقوقی زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی بیش‌ازپیش احساس می‌شد و این به تقویت و رشد حقوق توسعه پایدار کمک شایانی کرد. حقوق بین‌الملل توسعه پایدار (به‌اختصار حقوق توسعه پایدار هم گفته می‌شود)، مجموعه‌ای است از معاهدات، اسناد حقوقی و اصول ماهوی در حال ظهور که با عناصر شکلی متمایزی پشتیبانی می‌شود و راه‌هایی برای طرح چالش‌های جدی ناشی از جهانی شدن را فراهم می‌کند (Cordonier Segger, Khalfan, 2004:5).

حقوق بین‌الملل توسعه پایدار^۱ در تقاطع سه حوزه مهم حقوق بین‌الملل قرار دارد که هر کدام به توسعه پایدار یاری می‌رسانند. این سه حوزه عبارت‌اند از حقوق بین‌الملل اقتصادی، حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل محیط زیست. دستور کار ۲۱ در فصل ۳۹ خواستار تقویت و شفاف‌سازی ارتباط بین توافقات بین‌المللی در حوزه محیط زیست و توافقاتی مرتبط اجتماعی و اقتصادی شده بود. این امر به رشد بخش‌های مشترک بین حقوق بین‌الملل اقتصادی، حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل محیط زیست منجر شد (Cordonier Segger, Khalfan, 2004: 5). قواعد حقوق بین‌الملل اقتصادی برای ایجاد ثبات در روابط تجاری، حمایت از ارزش‌های اجتماعی مانند اشتغال و سلامت عمومی و همچنین ایجاد انصاف در روابط تجاری بین‌المللی کاربرد دارند (Charnovitz, 2011: 5). مقررات سازمان تجارت جهانی فضای گسترده‌ای را برای اتخاذ سیاست‌های حفاظت محیط زیست ملی برای اعضا فراهم می‌کند (دبیری و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۸). بیشتر موافقت‌نامه‌های تحت پوشش این سازمان دارای ضوابط زیست‌محیطی‌اند که طبق آن ضوابط، کشورهای عضو می‌توانند اقداماتی در خصوص حفاظت از محیط زیست انجام دهند (محمودی کردی، ۱۳۹۱: ۲۰۷). در مقدمه معاهده مؤسس سازمان تجارت جهانی، برعکس معاهده قبلی گات، به توسعه پایدار اشاره شده است (Schrijver, Weiss, 2004: 9). اعضای WTO بر پیگیری ارتباط متقابلاً پشتیبانی‌کننده بین سیاست‌های توسعه، زیست‌محیطی و تجارت بین‌المللی توافق کرده‌اند (Ministrial Declaration of Doha, 2001: paras. 2,3, 6). ترویج و اعتلای مفهوم توسعه پایدار بخشی جدایی‌ناپذیر از حقوق تجارت بین‌الملل محسوب می‌شود. این امر به‌صراحت در مذاکرات دور دوحه (۲۰۰۱) نیز مورد توجه قرار گرفته است (شهبازی، ۱۳۸۹: ۱۳۷).

رابطه بین حقوق بشر و محیط زیست نیز همواره در حال گسترش بوده است (Knox, 2015: 519). حقوق بین‌الملل بشر احتمالاً بیشترین ارتباط را با توسعه پایدار دارد. هم دستور کار ۲۱ و هم برنامه اجرایی ژوهانسبورگ، ضرورت تحقق بخشیدن به حقوق ابتدایی انسان‌ها مانند حق بر استاندارد کافی زندگی، حق بر مسکن کافی و حق بر آب را به‌وضوح به رسمیت شناختند (JPOI, 2002: paras.40(a),106,109; Agenda 21,1992: chapters 7.6, 18.47).

معیارهای حقوق بشری به حوزه خاصی اختصاص ندارند. به عبارت دیگر، حق‌های بشری همان‌قدر که باید در حیطه‌های سیاسی و اجتماعی اعمال شوند، در حوزه‌های اقتصادی و زیست‌محیطی نیز باید رعایت شوند (قربان‌نیا، ۱۳۹۰: ۴۰).

حقوق بین‌الملل محیط زیست متفاوت از حقوق توسعه پایدار اما با آن مرتبط است. حقوق بین‌الملل محیط زیست بر اصولی چند استوار است که در دهه‌های اخیر شناسایی شده و در موافقت‌نامه‌های چندجانبه زیست‌محیطی (MEAs) تدوین شده‌اند. یکی از این اصول نامحدود نبودن حق حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی‌شان و وظیفه دولت‌ها به تضمین عدم تخریب محیط زیست دولت‌های دیگر ناشی از فعالیت‌ها در محدوده صلاحیتی یا تحت کنترلشان است. اصل احتیاط به‌عنوان یک اصل مشترک بین دو حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق توسعه پایدار، اصلی کلیدی برای پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی و حمایت از حقوق نسل‌های حاضر و آینده است (Sands, 2012: 231-249).

اصول حقوق بین‌الملل توسعه پایدار

با افزایش تعداد معاهداتی که در آنها توسعه پایدار به‌عنوان هدف یا یکی از اهداف مطرح می‌شد و همچنین شناسایی توسعه پایدار در برخی نظرها و تصمیمات حقوقی بین‌المللی، سؤالی که مطرح می‌شد این بود که آیا اصولی که متضمن توسعه پایدارند، به اندازه کافی ماهوی هستند که بتوانند مبنای عزم بین‌المللی برای اقدام قرار گیرند؟ آیا این اصول می‌توانند به تعهد حقوقی بین‌المللی منجر شوند و نقض آن جبران حقوقی را در پی داشته باشد؟ برای پاسخگویی به این پرسش‌ها باید اصول اساسی حقوق بین‌الملل مربوط به توسعه پایدار مشخص و رویه و اعتقاد حقوقی دولت‌ها^۱ تحلیل می‌شد (Cordonier Segger, Khalfan, 2004: 96).

بر این اساس، انجمن حقوق بین‌الملل (ILA) دست به کار شد و کمیته «جنبه‌های حقوقی توسعه پایدار» را تشکیل داد. این کمیته در پنجمین گزارش خود در سال ۲۰۰۲ اصولی را شناسایی کرد^۲ که در نهایت به‌صورت «اعلامیه دهلی نو درباره اصول حقوق بین‌الملل مربوط به توسعه پایدار» در هفتادمین کنفرانس انجمن حقوق بین‌الملل در دهلی نو (۲ آوریل ۲۰۰۲) منتشر شد.^۳ در این اعلامیه، هفت اصل به‌طور مشخص شناسایی شده است. اصل یکپارچگی اصل کلیدی این اعلامیه است.^۴

1. Opinio Juris

2. International Law Association, Committee on the Legal Aspects of Sustainable Development, *Fifth Report on the Principles of International Law relating to Sustainable Development* (London: ILA, 2002).

3. ILA Resolution 3/2002: *New Delhi Declaration Of Principles Of International Law Relating To Sustainable Development*.

۴. روح اصول توسعه پایدار این است: در جایی که توسعه موجب آسیب قابل توجه به محیط زیست یا حقوق

۱. وظیفه دولت‌ها در زمینه تضمین استفاده پایدار از منابع طبیعی^۱

این اصل، به خوبی تثبیت شده و براساس آن همه دولت‌ها مطابق حقوق بین‌الملل دارای حق حاکمیت برای اداره منابع طبیعی‌شان به موجب سیاست‌های زیست‌محیطی و توسعه‌ای‌شان هستند. همچنین باید تضمین کنند که فعالیت‌ها در محدوده صلاحیت یا کنترل‌شان سبب آسیب مهم به محیط زیست دیگر دولت‌ها یا مناطق خارج از محدوده صلاحیت ملی نشود (New Delhi Declaration, 2002: para.1).

در واقع، مطابق این اصل، حق حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی‌شان مطلق نیست و عدم اضرار به محیط زیست دیگر کشورها یا مناطق خارج از صلاحیت هر دولتی مانند دریای آزاد، بستر دریا و ماوراء جو آن را محدود می‌سازد.

۲. اصل انصاف و زدودن فقر^۲

اصل انصاف در رسیدن به توسعه پایدار نقش محوری دارد. این اصل هم انصاف بین‌نسلی را مدنظر دارد، یعنی حق نسل‌های آینده به برخورداری منصفانه از میراث مشترک و هم انصاف درون‌نسلی یعنی حق همه انسان‌های نسل حاضر به دسترسی به آنچه نسل کنونی از منابع طبیعی زمین استحقاق دارند. حق بر توسعه باید به‌گونه‌ای پایدار و منصفانه اجرا شود و از جمله باید شامل همکاری دولت‌ها برای ریشه‌کنی فقر براساس فصل ۹ منشور ملل متحد و همچنین اعلامیه ریو باشد (New Delhi Declaration, 2002: para.2).

۳. اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت^۳

دولت‌ها و سایر بازیگران مطرح، مسئولیت مشترک اما متفاوت دارند. همه دولت‌ها موظف به همکاری در دستیابی به توسعه پایدار جهانی و حمایت از محیط زیست هستند. سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌ها به‌خصوص شرکت‌های فراملیتی، سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی هم باید در این شراکت جهانی سهیم باشند و همکاری کنند. تفاوت مسئولیت‌ها هرچند به‌طور اصولی مبتنی بر سهم هر دولت در بروز مشکلات زیست‌محیطی است، اما وضعیت اقتصادی و توسعه‌ای دولت‌ها نیز باید در نظر گرفته شود، یعنی نیازها و منافع کشورهای در حال توسعه،

انسان‌ها می‌شود، دولت‌ها موظف‌اند از چنین آسیبی جلوگیری کنند یا آن را کاهش دهند و این بخشی تفکیک‌ناپذیر از فرایند توسعه است.

1. The Duty of States to Ensure Sustainable Use of Natural Resources
2. The principle of equity and the eradication of poverty
3. The principle of common but differentiated responsibilities

کشورهای با اقتصاد در حال گذار و به خصوص کشورهای کمتر توسعه یافته باید به رسمیت شناخته شود (New Delhi Declaration , 2002: para.3).

۴. اصل رویکرد احتیاطی به سلامت انسانی، منابع طبیعی و اکوسیستمها^۱

رویکرد احتیاطی، نقش محوری در توسعه پایدار دارد و دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و جامعه مدنی را متعهد می‌کند که از فعالیت‌هایی که موجب آسیب مهم به سلامت انسانی، منابع طبیعی و اکوسیستم‌ها می‌شوند (حتی در صورت عدم قطعیت علمی)، خودداری کنند. رویکرد احتیاطی متضمن پاسخگو بودن مسببان آسیب‌ها (در صورت لزوم، مسئولیت دولت)، برنامه‌ریزی براساس معیارهای روشن و اهداف کاملاً معلوم، ارزیابی آثار زیست‌محیطی در همه روش‌های ممکن برای رسیدن به یک هدف (از جمله در موارد خاص، ادامه ندادن فعالیت موردنظر) و قرار دادن بار اثبات بر عهده شخص یا اشخاصی است که فعالیتی را انجام داده‌اند یا قصد انجام آن را دارند و ممکن است سبب آسیب جدی طولانی‌مدت یا برگشت‌ناپذیر شود (New Delhi Declaration , 2002: para.4). این اصل از سال ۱۹۹۲ تقریباً در تمام اسناد بین‌المللی مربوط به حمایت محیط زیست مطرح شده است. اصل احتیاطی را در واقع می‌توان پیشرفته‌ترین شکل «پیشگیری» به‌عنوان مبنای عام حقوق محیط زیست دانست (Kiss, Shelton , 2007: 94-95).

۵. اصل مشارکت عمومی و دسترسی به اطلاعات و عدالت^۲

مشارکت عمومی از شروط تحقق حکومت پاسخگو، شفاف و واکنش‌گر است و هم‌اکنون از این رو مشارکت عمومی برای توسعه پایدار و حکمرانی خوب ضروری است. همچنین، یک شرط تعامل فعال نهادهای جامعه مدنی و اینکه به همان اندازه پاسخگو، شفاف و واکنش‌گرا باشند، مشارکت عمومی است. در کشوری که اقدام زیانبار صورت گرفته است، مردم باید به روش‌های مؤثر اداری یا قضایی دسترسی داشته باشند تا آن اقدام را به چالش بکشند یا مطالبه خسارت کنند و در مواردی که آسیب فرامرزی قطعاً یا احتمالاً اتفاق افتاده، افراد و جمعیت‌هایی که تحت تأثیر آن آسیب قرار گرفته‌اند، باید دسترسی بدون تبعیض به آیین‌های قضایی و اداری کشور منشأ خسارت همانند مردم آن کشور داشته باشند (New Delhi Declaration , 2002: para.5)

1. The principle of the precautionary approach to human health, natural resources and ecosystems
2. The principle of public participation and access to information and justice

۶. اصل حکمرانی خوب (به زمامداری)^۱

اصل حکمرانی خوب، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را متعهد می‌کند به پذیرش شیوه‌های تصمیم‌سازی شفاف و دموکراتیک، پاسخگو بودن، انجام اقدامات مؤثر برای مبارزه با فساد اداری و غیر اداری، رعایت فرایند عادلانه در آیین‌های دادرسی و نظارت بر حاکمیت قانون و اجرای حقوق بشر (New Delhi Declaration, 2002: para.6).

۷. اصل یکپارچگی و روابط متقابل اهداف اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و حقوق بشری^۲

اصل یکپارچگی بازتابی از وابستگی متقابل جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، مالی، زیست‌محیطی و حقوق بشری اصول و قواعد حقوق بین‌الملل توسعه پایدار و همچنین وابستگی متقابل نیازهای نسل کنونی و نسل‌های آینده بشری است. دولت‌ها باید در حل تعارضات بین ملاحظات اقتصادی، مالی، اجتماعی و زیست‌محیطی چه از طریق نهادهای موجود و یا از طریق تأسیس نهادهای جدید بکوشند. (New Delhi Declaration, 2002: para.6).

یکپارچگی سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مستلزم شفاف‌سازی و مشارکت گسترده عمومی در تصمیم‌سازی‌های حکومتی و همچنین برآورد آثار اجتماعی و زیست‌محیطی، تحلیل هزینه - فایده و حسابرسی منابع طبیعی است (Kiss & Shelton, 2007: 97).

جایگاه توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل

بی‌شک امروزه مفهوم توسعه پایدار در اسناد بین‌المللی مربوط به حوزه‌های گوناگون، مطرح شده و جای خود را در رویه معاهده‌ای به‌خوبی محکم کرده است (Schrijver, 2008:104). با گسترش گفتمان توسعه پایدار که آخرین نمود آن تصویب اهداف توسعه پایدار (دستور کار ۲۰۳۰) در اجلاس مجمع عمومی ملل متحد در سپتامبر ۲۰۱۵ بود^۳، پیش‌بینی می‌شود که توسعه پایدار، هدف و موضوع معاهدات بیشتری در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گیرد. بر این اساس برخی صاحب‌نظران معتقدند حقوق بین‌الملل در حیطة توسعه پایدار اغلب در معاهدات و توافق‌های بین‌المللی ظهور یافته و توسعه پایدار هدف مشترک بسیاری از دولت‌ها هنگام امضای معاهدات اقتصادی، زیست‌محیطی و... و در برخی موارد مانند معاهدات مربوط به انرژی، بیابان‌زدایی، غذا و

1. The principle of good governance

2. The principle of integration and interrelationship, in particular in relation to human rights and social, economic and environmental objectives

۳. برای مطالعه متن کامل اهداف توسعه پایدار ر.ک:

http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/RES/70/1&Lang=E

کشاورزی در دهه اخیر، حتی موضوع اصلی معاهده بوده است. در پرتو این دیدگاه، توسعه پایدار یک هدف در حقوق معاهدات است (Armstrong et al., 2009: 359).

در بررسی کلی باید گفت بعد از گزارش برونتلند تمایل به ارجاع به مفهوم توسعه پایدار در معاهدات آشکار شد و بعد از کنفرانس ریو ۱۹۹۲، این مفهوم در متن بعضی معاهدات مهم منطقه‌ای و بین‌المللی وارد شد (Schrijver, 2008:104). یکی از اولین اسناد حقوقی در حوزه توسعه پایدار، کنوانسیون تغییر اقلیم ۱۹۹۲ است که در ماده ۲ آن هدف نهایی کنوانسیون چنین بیان شده است: «دستیابی به ثبات در تراکم گاز گلخانه‌ای در اتمسفر... در سطحی... که از تداخل خطرناک فعالیت‌های بشر با سیستم اقلیم جلوگیری کند. این سطح می‌بایست در چنان چارچوب زمانی حاصل گردد که... توسعه اقتصادی بتواند به‌صورتی پایدار ادامه یابد» (UNFCCC, Art.2). تصویب اصول دهلی‌نو در سال ۲۰۰۲، نشان داد که توسعه پایدار به‌صورت یکی از موضوعات جدید حقوق بین‌الملل درآمده است. باید توجه داشت که اعلامیه دهلی‌نو، موافقت‌نامه بین دولت‌ها نیست، بلکه نتیجه یک دهه مطالعه و تحقیق متخصصان انجمن حقوق بین‌الملل برای تبیین جنبه‌های حقوقی توسعه پایدار و به‌منزله راهنمایی برای سیاست‌گذاران و قضات ملی و بین‌المللی است. هفت اصلی که در این اعلامیه مشخص شده، با بررسی ده‌ها سند بین‌المللی شامل اعلامیه‌ها و توافقات چندجانبه بین دولت‌ها، استخراج شده است و در واقع دولت‌ها در این اسناد تعهد خود را به رعایت این اصول اعلام داشته‌اند. در آخرین مورد اقدام دولت‌ها به تصویب معاهده ۲۰۱۵ پاریس درباره تغییر اقلیم^۱ و لازم‌الاجرا شدن سریع آن و پیشبرد تلاش‌ها برای اجرای آن از طریق طرح‌های مشارکت ملی و ایجاد قوانین گذار به اقتصاد کم‌کربن^۲ بیانگر فهم عمیق از هدف و اصول توسعه پایدار است که اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

از سوی دیگر برخی کارشناسان معتقدند توسعه پایدار به اصل جدید حقوق بین‌الملل عرفی تبدیل شده و الزام‌آور بودن آن برای دولت‌ها در حال تثبیت است.^۳ همچنین عده‌ای از حقوقدانان بین‌الملل می‌گویند توسعه پایدار یک اصل کلی است که براساس آن دولت‌ها باید توسعه و استفاده پایدار از منابع طبیعی را تضمین کنند. آنها بیان می‌دارند که تردید کمی وجود دارد که مفهوم توسعه پایدار در پیکره حقوق بین‌الملل عرفی وارد شده است (Sands, 2012: 252-266).

می‌دانیم که قواعد حقوق بین‌الملل عرفی از رفتار هماهنگ دولت‌ها با اعتقاد به الزام‌آور بودن آنها از لحاظ حقوقی نشأت می‌گیرند. حقوقدانان برای اثبات وجود یک قاعده عرفی

1. The Paris Agreement

2. Low-Carbon Economy

3. See: A. Kiss and D. Shelton, *International Environmental Law* (New York: Transnational Publishers, 2000); Philippe Sands, *Principles of International Environmental Law*, 3rd edn (Cambridge: Cambridge University Press, 2012).

بین‌المللی باید وجود رویه عام دولت‌ها (تکرار گسترده یک اقدام بین‌المللی توسط دولت‌ها در طول زمان) و اعتقاد حقوقی^۱، یعنی اعتقاد دولت‌ها به الزامی بودن آن اقدام را نشان دهند. چنین اقدامی باید توسط تعداد زیادی از دولت‌ها انجام گیرد و نباید توسط تعداد زیاد دیگری از دولت‌ها به سبب منافعشان مورد مخالفت قرار گیرد (Armstrong et al., 2009: 359).

اعلام رسمی سران دولت‌ها و حکومت‌ها به پشتیبانی و تعهد به توسعه پایدار، از استکهلم تا ریو و ژوهانسبورگ و تا دستور کار ۲۰۳۰، همچنین تصویب گسترده معاهدات مربوط به توسعه پایدار، آرا و اقدامات دولت‌ها در مجمع عمومی ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی، کارهای مقدماتی کنفرانس‌ها و مذاکرات بین‌المللی و دعاوی دولت‌ها نزد محاکم داخلی و بین‌المللی، همگی شواهدی از رویه جهانشمول دولت‌ها را به دست می‌دهد. اسناد زیادی از یادداشت‌های رسمی و بیانیه‌های وزرا و مقامات ارشد کشورها در خلال ۱۵ سال جلسات کمیسیون ملل متحد برای توسعه پایدار وجود دارد که بر تعهد کشورشان به توسعه پایدار تأکید کرده‌اند. تقریباً همه دولت‌ها نوعی قانون محیط زیست که آنها را متعهد به توسعه پایدار سازد، دارند و چند دولت اکنون قوانین بیشتری را در سطوح ملی یا محلی، به خصوص با هدف ادغام ملاحظات زیست‌محیطی و توسعه، در جهت توسعه پایدار تنظیم کرده‌اند. این دولت‌ها در قانون‌گذاری داخلی و دادگاه‌های ملی خود به موضوع توسعه پایدار توجه خاص کرده‌اند. برخی دولت‌ها محاسبه عوامل زیست‌محیطی را در تصمیم‌گیری برای توسعه اقتصادی، تعهدی برای خود می‌دانند (Cordonier Segger and Weeramantry, 2017: 80-86).

تصویب تقریباً جهانشمول کنوانسیون چارچوب ملل متحد درباره تغییر اقلیم، کنوانسیون تنوع زیستی و کنوانسیون مبارزه با بیابان‌زایی و خشکسالی که در همه آنها تعهدات مهمی به توسعه پایدار وجود دارد، نمونه‌هایی است از رویه دولت‌ها. در حقوق آبراه‌های بین‌المللی، دو معاهده اصلی یعنی کنوانسیون ۱۹۹۷ حقوق بهره‌برداری‌های غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی و کنوانسیون ۱۹۹۲ هلسینکی در خصوص حفاظت و استفاده از آبراه‌های فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی هر دو به مفهوم توسعه پایدار اشاره کرده‌اند (اکبری و مشهدی، ۱۳۹۸: ۳۲۵). همچنین تعداد زیادی اعلامیه و یادداشت‌های رسمی از وزرا و مقامات کشورها وجود دارد که تعهد دولت خود را به توسعه پایدار اعلام کرده‌اند. آرای موافق دولت‌ها برای تصویب سیاست‌ها، راهبردها و اهداف توسعه پایدار در نهادهای بین‌المللی مانند مجمع عمومی ملل متحد، شورای حکام برنامه محیط زیست ملل متحد، کمیسیون اروپا شواهد دیگری از رویه آنهاست. دولت‌ها، گروه بانک جهانی، بانک توسعه آسیا، بانک توسعه آفریقا، بانک توسعه آمریکایی و بانک توسعه و نوسازی اروپا را به سمت اجرای سیاست‌های تضمین‌کننده ترویج

توسعه پایدار هدایت کرده‌اند. بررسی ادعاها و دفاعیات دولت‌ها نزد محاکم بین‌المللی و تصمیمات قضات این دادگاه‌ها نشان می‌دهد که تعداد زیادی از دولت‌ها در پی استدلال‌هایی با محوریت توسعه پایدار در این محاکم هستند و در بعضی قضاها حتی دادگاه‌ها میل به استفاده از این مفهوم در استدلال حقوقی داشته‌اند. از جمله قضیه آزمایش‌های هسته‌ای، قضیه زمین‌های فسفات، قضیه گابچیکووناگیماروس، داوری آبرون راین و قضیه کارخانه‌های خمیرکاغذ (Cordonier Segger and Weeramantry, 2017: 85-94).

قاضی ویرامانتری، نایب‌رئیس وقت دیوان بین‌المللی دادگستری، در نظر جداگانه خود در قضیه گابچیکووناگیماروس توسعه پایدار را یک اصل حقوق بین‌الملل دانست. او به‌خصوص بیان داشت: «توسعه پایدار بیش از یک مفهوم صرف است و به‌عنوان یک اصل دارای ارزش هنجاری در تصمیم‌گیری این قضیه، مهم است» (Case Concerning the Gabčíkovo-Nagymaros Project, Separate Opinion of Vice-President Weeramantry, 1997: 85). در قضیه آبرون راین^۱ در سال ۲۰۰۵ دادگاه داوری، توسعه پایدار را یک اصل در حال ظهور حقوق بین‌الملل عرفی در نظر گرفت، بدون اینکه متعرض وضعیت فعلی آن شود: «بحث‌های زیادی در حوزه حقوق محیط زیست وجود دارد درباره اینکه قواعد و اصول تشکیل‌دهنده کدامند یا حقوق نرم چیست و اینکه کدام اصول یا حقوق معاهده‌ای زیست‌محیطی به توسعه حقوق بین‌الملل عرفی کمک می‌کنند..... اصول در حال ظهور، با هر وضعیت فعلی، به حفاظت، مدیریت، مفاهیم پیشگیری و توسعه پایدار و حمایت نسل‌های آینده اشاره می‌کنند» (PCA, 2005, Para.58). در قضیه کارخانه‌های خمیرکاغذ، ارگونه متذکر شد که حتی ممکن است یک قاعده عرفی بین‌المللی وجود داشته باشد که به دولت‌ها حق بر توسعه پایدار اقتصادی اعطا کند (Case concerning pulp mills of Uruguay, Counter-memorial of Uruguay, 2007: para.2.30).

بررسی پرونده‌های زیست‌محیطی دیوان دادگستری اروپا نشان می‌دهد که این دیوان بدون تضعیف اهداف اقتصادی اروپا، حقوق محیط زیست را در اتحادیه گسترش داده است. در این پرونده‌ها دیوان بیشتر به نفع اهداف زیست‌محیطی اتحادیه (حفاظت از محیط زیست) رأی داده است، از جمله در دو پرونده هندلزکوکریچ و پسماندهای نفتی. تمایل دیوان به وضع جریمه نقدی در پرونده کمیسیون علیه یونان بیانگر تعهد شدید دیوان در قبال حمایت از مقررات زیست‌محیطی اتحادیه اروپاست (فرخی و قوام‌آبادی، ۱۳۹۸: ۱۰۷).

شواهد معین در اعتقاد حقوقی برخی دولت‌ها را می‌توان از ۱۹۸۷ به این طرف پیدا کرد. در دادرسی‌های بین‌المللی به قضیه گابچیکووناگیماروس اشاره می‌کنیم که در آن مجارستان در لایحه خود اظهار داشت: «مجارستان و اسلواکی توافق دارند که اصل توسعه پایدار که در گزارش بروتلند، اعلامیه ریو و دستور کار ۲۱ تنظیم شده است، می‌تواند بر این اختلاف حاکم

باشد» (Case Concerning the Gabčíkovo-Nagymaros Project, Reply of Hungary, paras. 1.45). باز در قضیه کارخانه‌های خمیرکاغذ، اروگوئه در لایحه خود اظهار داشت: «اروگوئه به‌ویژه برای حمایت از حق حاکمیت خود خواهان تأخیر در تصمیم‌گیری دیوان در ماهیت دعواست تا طرح‌های توسعه پایدار اقتصادی را در سرزمین خودش به اجرا گذارد» (Case concerning pulp mills of Uruguay, Counter-memorial of Uruguay, 2007:para., 2007:para.7.63). در سطوح ملی و بین‌المللی، در معاهدات الزام‌آور و در اعلامیه‌های اثرگذار حقوق نرم و رویه دولت‌ها به‌طور فزاینده‌ای حمایت محیط زیست و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی به‌عنوان مکمل هم و نه اموری متضاد دیده می‌شوند. با این حال و با وجود این‌گونه شواهد هنوز نمی‌توان به این پرسش که آیا اعتقاد حقوقی^۱ وجود دارد یا نه پاسخ سراسری داد. برخلاف معاهدات بین‌المللی یا حقوق بین‌الملل عرفی شناسایی شده، اسنادی مانند اعلامیه ریو ۱۹۹۲ و دستور کار ۲۱ و همچنین اعلامیه ژوهانسبورگ ۲۰۰۲ و برنامه اجرایی ژوهانسبورگ الزام‌آور نیستند. چنین اعلامیه‌های برآمده از وفاق عام دولت‌ها را معمولاً به‌عنوان حقوق نرم توصیف می‌کنند. هرچند قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد را می‌توان شاهدهی از یک اصل عرفی در حال ظهور در نظر گرفت، نمی‌توان آنها را با چنین وصفی، از لحاظ حقوقی الزام‌آور دانست (Armstrong et al., 2009: 363-365).

بنابراین هنوز روشن نیست که آیا توسعه پایدار به‌عنوان یک قاعده عرفی در حقوق بین‌الملل متبلور شده است یا نه. در فرایند شناسایی قواعد عرفی، رویه نهادهای قضایی بین‌المللی اهمیت بسزایی دارد و به‌ویژه دیوان بین‌المللی دادگستری از جایگاه خاصی در این زمینه برخوردار است. هنوز در آرای دیوان چنین شناسایی صورت نگرفته است.

به اعتقاد برخی صاحب‌نظران برای تبیین دقیق‌تر وضعیت توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل به‌ویژه بعد از تصویب اهداف توسعه پایدار ۲۰۱۵ می‌توان از یک رویکرد ترکیبی بهره برد؛ به این صورت که توسعه پایدار را به‌عنوان هنجار بینابینی^۲ در نظر بگیریم. هنجارهای بینابینی در فواصل بین هنجارهای اولیه عمل می‌کنند. در واقع هنجارهای ثانویه‌ای هستند که می‌توانند هنجارهای اولیه را تعدیل کنند (Lowe, 2000: 213). در این معنا اولاً حقوق بین‌الملل توسعه پایدار مجموعه‌ای از اصول حقوقی و معاهدات بین‌المللی است که هماهنگ باهم در تقاطع حقوق بین‌الملل محیط زیست، اقتصادی و بشر قرار می‌گیرند؛ ثانیاً توسعه پایدار به‌عنوان یک هدف قوانین بین‌المللی، هنجار متفاوتی است که معیارهای متضاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را به‌سوی خود می‌کشد. توسعه پایدار وقتی در معاهده‌ای بین‌المللی یا روند حل‌وفصل یک اختلاف مطرح می‌شود، بر فراز سایر اصول و قواعد حقوقی عمل می‌کند، در

1. Opinio Juris
2. Interstitial Norm

نتیجه احتمال ایجاد تضاد یا اصطکاک بین هنجارهای اصلی را با جابه‌جا کردن مرزهای بین آنها برطرف می‌کند (Cordonier Segger and Weeramantry, 2017: 93).

نتیجه‌گیری

امروز در پذیرش جهانی مفهوم توسعه پایدار هیچ تردیدی وجود ندارد، هرچند ممکن است درباره مرزها و ابعاد آن اختلاف وجود داشته باشد. آرمان‌ها و اهداف توسعه پایدار ۲۰۱۵ مبین تکامل مفهوم توسعه پایدار و شناسایی ابعاد گوناگون آن است. بسیاری از آنها به‌عنوان هدف و موضوع برخی معاهدات مهم بین‌المللی مطرح شده‌اند. در واقع مفهوم توسعه پایدار پلی بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه زده است.

ورود این مفهوم به حقوق بین‌الملل با توجه به تدوین آن در معاهدات متعدد منطقه‌ای و بین‌المللی گریزناپذیر بود و تشکیل کمیته‌ای مخصوص در انجمن حقوق بین‌الملل نشان از همین موضوع داشت. اصول حقوق بین‌الملل توسعه پایدار مندرج در اعلامیه دهلی‌نو (۲۰۰۲) مصوب انجمن حقوق بین‌الملل تلفیقی از سه حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست، حقوق بین‌الملل اقتصادی و حقوق بین‌الملل بشر است. رصد رویه دولت‌ها نشان می‌دهد که اصول توسعه پایدار در بین دولت‌ها از شناسایی برخوردار شده‌اند و به‌طور فزاینده‌ای در معاهدات الزام‌آور بین‌المللی وارد شده و عملیاتی می‌شوند و بخشی از سیاست و حقوق بین‌الملل را در حیطه توسعه پایدار تشکیل می‌دهند. همچنین در سه دهه گذشته تصمیمات محاکم بین‌المللی در قضایای مرتبط با توسعه، رو به افزایش بوده است و جهت‌گیری خاصی را در استفاده از مفهوم توسعه پایدار و اصول آن نشان می‌دهد. البته با توجه به تحولات سریع جامعه بین‌المللی، تکمیل و تقویت این اصول ضرورت دارد.

مفهوم توسعه پایدار که ابتدا به اسناد حقوق نرم محیط زیست ورود پیدا کرد، پس از اجلاس ریو ۱۹۹۲ به تدریج در معاهدات متعدد چندجانبه بین‌المللی و منطقه‌ای تدوین شد. در اینکه آیا «توسعه پایدار» به صورت یک قاعده عرفی متبلور شده است یا خیر، تردید وجود دارد، هرچند تحقیق بیشتر در این زمینه مورد نیاز است. اما در بعضی موارد مانند اصل پیشگیری بی‌شک می‌توان گفت جزو حقوق سخت قرار می‌گیرد. اصل پیشگیری دولت‌ها را ملزم می‌کند در جایی که آسیب به محیط زیست قطعی است، کارهایی را که موجب آسیب می‌شوند، متوقف کنند و از ابزارها و شیوه‌های سالم برای محیط زیست بهره گیرند. این اصل جزو حقوق عرفی است و همه دولت‌ها مکلف به رعایت آن‌اند. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی قضیه کارخانه‌های خمیرکاغذ خاطر نشان ساخت «اصل پیشگیری به‌عنوان یک قاعده عرفی، ریشه در ضرورت تلاش مقتضی یک دولت در محدوده سرزمینش دارد. هیچ دولتی نباید آگاهانه اجازه

دهد از سرزمینش برای اقدامات معایر حقوق دولت‌های دیگر استفاده شود. از این رو یک دولت متعهد است از تمام ابزارهای در دسترس خود استفاده کند تا اجازه ندهد فعالیت‌هایی در محدوده سرزمینی یا هر منطقه تحت صلاحیتش صورت گیرد که به آسیب شایان توجه به محیط زیست دولت دیگر منجر شود» (Case concerning Pulp Mills on The River (Uruguay, 2010, para.101). حتی در مورد اصل احتیاط نیز بعضی قائل به عرفی شدن آن هستند. شعبه اختلافات بستر دریا دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها در نظریه مشورتی سال ۲۰۱۱ خود به صراحت اظهار داشت: «رویکرد احتیاطی در تعداد فزاینده‌ای از معاهدات بین‌المللی و سایر اسناد درج شده است که بازتابی از اصل ۱۵ اعلامیه ریو است و گرایش به سمت تلقی این رویکرد به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی آغاز شده است» (ITLOS, case No.17, 2011: para.131,135)

ویژگی بینابینی تعهد به توسعه پایدار، دولت‌ها و محاکم بین‌المللی را تشویق می‌کند اقدامات و اصول مربوط به توسعه پایدار را هم در قالب معاهدات و هم در تلاش برای حل و فصل اختلافات بپذیرند و اجرا کنند. تبیین این ویژگی به درک جایگاه فعلی توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل کمک می‌کند. فقرزدایی، پیش شرط ضروری در تحقق اهداف توسعه پایدار است و هم از این رو محوریت فقرزدایی و حقوق بشر در دستیابی به توسعه پایدار باید توسط حقوقدانان برای تصمیم‌سازان تبیین شود.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۳۹۷)، *حقوق محیط زیست در ایران*، تهران: سمت.
۲. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۹۰)، *حقوق بشر و حقوق بشردوستانه*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ب) مقالات

۳. اکبری، نرگس؛ مشهدی، علی (۱۳۹۸)، «تهدیدها و تعهدات زیست‌محیطی دولت ترکیه در اجرای پروژه گاب نسبت به آثار سوء زیست‌محیطی در ایران (ریزگردها)»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۶۱.
۴. افتخارجهرمی، گودرز (۱۳۸۸)، «حقوق بشر، محیط زیست و توسعه پایدار»، *مجله تحقیقات*

- حقوقی، ش ۵۰.
۵. دبیری، فرهاد و دیگران (۱۳۹۲)، «چگونگی حل و فصل اختلافات محیط زیستی ناشی از تجارت جهانی در قالب نظام حقوقی حل اختلاف»، *فصلنامه انسان و محیط زیست*، ش ۲۶.
۶. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۳)، «اقتصاد سبز: گامی به سوی تحقق توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل محیط زیست»، *دانشنامه حقوق اقتصادی*، ش ۶.
۷. سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۱)، «حقوق بین‌الملل توسعه پایدار: از آرمان تا واقعیت»، *دانشنامه حقوق اقتصادی*، ش ۲.
۸. شهبازی، آرامش (۱۳۸۹)، «پایداری توسعه «یا» توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۴۲.
۹. فرخی، رحمت‌الله؛ رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۸)، «دیوان دادگستری اروپا و مسئله تقابل اهداف اقتصادی با ملاحظات زیست‌محیطی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۶۱.
۱۰. محمودی کردی، زهرا (۱۳۹۱)، «جایگاه محیط زیست در سازمان تجارت جهانی»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال پانزدهم، ش ۴۱.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Ghorbannia, Naser (2011) *Human Rights Law and Humanitarian Law*, Tehran, Pazhuheshgah (In Persian).
2. Taghizadeh Ansari, Mostafa (2018), *Environmental Law in Iran*, Tehran, Samt (In Persian).
3. Armstrong, D., et al (eds), (2009), *Routledge Handbook of International Law*, routledge.
4. Cordonier Segger, Marie-Claire, Weeramantry, C. G. (eds), (2017), *Sustainable development principles in the decisions of international courts and tribunals, 1992-2012*, Routledge.
5. Cordonier segger, M.C, Khalfan, A., (2004), *sustainable development law: Principles, Practices, and Prospects*, OUP.
6. Faure, M., (2016), *Elgar Encyclopedia of environmental law*, Edward elgar publishing.
7. Fitzmaurice, M., Tamada, (2016), *Whaling in the Antarctic Significance and Implications of the ICJ Judgment*, Brill.
8. Kiss, A. & Shelton, D., (2007), *Guide to international environmental law*, Martinus Nijhoff.
9. Lowe, V in Byers, M (ed), (2000), *The Role of Law in International Politics: Essays in International Relations and International Law*, Oxford University Press.
10. Merrills, J.G., (2011), *International dispute settlement*, 5th ed, Cambridge.
11. Pearce, D.W, & Turner, R., (1990), *Economics of Natural Resources and the Environment*, John Hopkins University Press.

12. Sands, Philippe, (2012), *principles of international environmental law*, 3rd ed, cambridge
13. Schrijver Nico, Weiss Friedel (eds), (2004) *International Law and Sustainable Development Principles and Practice*, martinus nijhoff
14. Schrijver, Nico, (2008), *The Evolution of Sustainable Development in International Law: Inception, meaning and status*, Hague academy of International law.
15. Shawkat Alam, et al (eds), (2013), *Routledge Handbook of International law*, Routledge.
16. World Commission on Environment and Development, (1987), *Our Common Future*, Oxford University Press.

B) Articles

17. Akbari, Narges, Mashhadi Ali (2019), "Environmental Threats and Commitments of the Turkish Government in the Implementation of the Gap Project in Relation to the Environmental Impacts in Iran", *International Law Journal*, No. 61 ([In Persian](#)).
18. Dabiri, Farhad et al. (2013), "How to resolve environmental disputes arising from global trade in the form of a legal dispute resolution system", *Human and Environment Quarterly*, No. 26 ([In Persian](#)).
19. Eftekhari Jahromi, Goodarz (2009), "Human Rights, Environment and Sustainable Development", *Journal of Legal Research*, No. 50 ([In Persian](#)).
20. Farrokhi, Rahmatollah and Ramezani Ghavamabadi, Mohammad Hossein (2019), "European Court of Justice and the issue of confrontation of economic goals with environmental considerations", *International Law Journal*, No. 61 ([In Persian](#)).
21. Mahmoudi Kurdi, Zahra (2012), "The position of the environment in the World Trade Organization", *Quarterly Journal of Public Law Research*, 15(41) ([In Persian](#)).
22. Ramezani Ghavamabadi, Mohammad Hossein (2014), "Green Economy: A Step Towards Sustainable Development in International Environmental Law", *Journal Encyclopedia of Economic Law*, No. 6 ([In Persian](#)).
23. Salimi Turkmani, Hojjat (2012), "International Law of Sustainable Development: From Ideal to Reality", *Journal Encyclopedia of Economic Law*, No. 2 ([In Persian](#)).
24. Shahbazi, Aramesh (2010), "Sustainability of Development or Sustainable Development in International Law", *International Law Journal*, No. 42 ([In Persian](#)).
25. Cordonier Segger, M.C (2009) "the role of international forums in the advancement of sustainable development law", *sustainable development law and policy*, Vol.10, No.1.
26. Dernbach John C, Cheever Federico (2015), "Sustainable Development and Its Discontents", *Transnational Environmental Law*, Vol.4, No.2.
27. Knox, John H. (2015), "human rights, environmental protection, and the sustainable development goals", *washington international law journal*, Vol.24, No.3.

C) Documents And Cases

28. Agenda 21 , United Nations "Conference on Environment and Development",1992
29. Case Concerning the Gabcikovo-Nagymaros ,ICJ,2007
30. Case concerning pulp mills of Uruguay ,ICJ,2010
31. Charter of United Nations
32. Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment,1972
33. Fifth Report on the Principles of International Law relating to Sustainable Development, ILA, Committee on the Legal Aspects of Sustainable Development, (London: ILA, 2002)
34. Iron Rhine Arbitration (Belgium/Netherlands),PCA,2005
35. ITLOS, Responsibilities and obligations of States sponsoring persons and entities with respect to activities in the Area (Request for Advisory Opinion submitted to the Seabed Disputes Chamber),2011
36. Johannesburg Declaration on sustainable development,2002
37. Johannesburg Plan of Implementation, World Summit on Sustainable Development,2002
38. Ministerial declaration of Doha(20 november 2001)WT/MIN(01)/DEC/1
39. New Delhi Declaration Of Principles Of International Law Relating To Sustainable Development, ILA Resolution,3/2002
40. Paris Agreement ,12 december 2015
41. Rio declaration, United Nations "Conference on Environment and Development",1992
42. The Doha Development Agenda, World Trade Organization Negotiations,2001
43. Transforming our world:the2030 Agenda for Sustainable development,UN general assembly,2015
44. UNGA Res. A/RES/S-19/2,19 Sept. 1997
45. United Nations Framework Convention on Climate Change,4 June 1992
46. World Charter for Nature,28 October 1982
47. World conservation strategy,IUCN,1980

D) Websites

48. [http://www.un.org/en/ga/search/A/RES/2398\(XXIII\)](http://www.un.org/en/ga/search/A/RES/2398(XXIII))
49. <http://www.un-documents.net/unchedec.htm>
50. <http://www.un-documents.net/a27r2997.htm>
51. <http://www.un.org/documents/ga/res/38/a38r161.htm>
52. www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/RES/55/199
53. www.unep.org/about/sgb/UnepGovernanceStructure